



تبیین آسیب‌ها و مسائل اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی و اسلام
و بیان زمینه‌های پیدایی آسیب‌ها از منظر اسلام

تألیف و تدوین:

حمیدرضا اکبری

آبان ماه 1392

یکی از پدیده‌هایی که در تمامی جوامع و در تمامی زمان‌ها وجود داشته و دارد آسیب‌های اجتماعی هستند که برخورد با آنها نیز در جوامع و در دوران‌های مختلف متفاوت بوده است. اما یکی از اصول عمده در پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی و نیز اتخاذ تدابیر لازم در این مورد، توجه به موضوع فرهنگ جوامع و بومی‌سازی شیوه‌های اتخاذ شده در تمامی عرصه‌هاست. یکی از راه‌های موثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در کشور ما هم توجه به آموزه‌های دینی در این مورد می‌باشد که در نوشتار ذیل سعی شده از این منظر آسیب‌های اجتماعی تعریف شود و راه‌های پیشگیری از شیوع آنها به بحث گذارده شود. اما باید توجه داشت که آسیب‌های اجتماعی رابطه تنگاتنگی با مسائل اجتماعی داشته و مسائل اجتماعی بسترساز آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شوند در توضیح مطلب باید گفت که هر آسیبی یک مسأله اجتماعی تلقی می‌شود اما لزوماً هر مسأله اجتماعی آسیب محسوب نمی‌شود. مثلاً طلاق یا افزایش سن ازدواج، مجرد یا بیکاری لزوماً آسیب اجتماعی نیست اما یک مسئله اجتماعی است. از این رو، ابتدا به مسأله اجتماعی و برخی مباحث پیرامونی آن، سپس به آسیب‌های اجتماعی و در نهایت به تبیین آسیب‌های اجتماعی از منظر اسلام به عنوان هدف نهایی این نوشتار خواهیم پرداخت.

مسأله اجتماعی:

بررسی مسائل اجتماعی از عمده ترین مباحث جامعه شناسی است که از اوایل قرن بیستم و به ویژه از دهه 40 در آمریکا و سپس سایر کشورهای اروپایی اهمیت یافته و در سه دهه اخیر نیز به تدریج اهمیت آن در کشورهای در حال توسعه شناخته شده است. این شاخه از جامعه شناسی در سطح کلان در تعیین و تبیین عمده ترین معضلات اجتماعی یک جامعه اهتمام ورزیده است، که تلاش جامعه‌شناسان در این حوزه به مدد نظریه های جامعه شناسی، تعریفی از مسأله اجتماعی و تحلیلی از روند شکل‌گیری آن و نیز ارائه راه‌های مقابله با آن بوده است.

تعریف: ارائه تعریفی مطلق و فراگیر درباره مسأله اجتماعی غیر ممکن است چرا که امور اجتماعی که در اطراف ما وجود دارند ممکن است فقط از دیدگاه برخی افراد، گروه‌ها و سازمانها مسأله اجتماعی قلمداد شوند. بنابراین هر نوع تلقی از مسأله اجتماعی و همچنین تعریف آن بر اساس زمان، مکان و موقعیت یا وضعیتهای خاص، متغیر است البته این تغییر پذیری و نسبت مسائل اجتماعی نافی قانونمندی های حاکم بر فرایند پیدایش و تحول آنها نیست. جامعه شناسان برای تعریف مسأله اجتماعی معیارهایی مطرح کرده اند که برخی از آنها عبارتند از: (1) قانونمند بودن (2) مرشاء اجتماعی داشتن (3) داشتن موقعیت (شرایط غیرمطلوب) (4) قضاوت اکثریت مردم مبنی بر مسأله بودن آن (5) متغیر و نسبی بودن (6) مشکل‌زا، شایع و قابل تغییر بودن مسأله اجتماعی (7) بعد کیفی و ربط ارزشی داشتن (8) واقعی بودن.

هر چند متناسب با این معیارها ارائه تعریفی جامع از مسأله اجتماعی بعید به نظر می‌رسد اما مسأله اجتماعی را برخی از جامعه‌شناسان اختلال اجتماعی یا اختلال در نظام اجتماعی دانسته‌اند و عده‌ای آن را بحران در نظام نهادها یا بی‌تعادلی ساختی می‌دانند. برای مثال، در صورتی که میزان خودکشی از حد مشخصی بالاتر رود مسأله‌ای اجتماعی می‌شود. هنگامی که میزان نابهنجاری از مقدار مشخصی افزایش بیابد، مسأله‌ای اجتماعی می‌شود و صرف وجود یک پدیده ناهنجار در یک جامعه در بسیاری از زمان‌ها و مکان‌ها مسأله‌ای اجتماعی نیست (سفیری، خدیجه، «مسأله‌ای اجتماعی به نام اشتغال زنان»، مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات، 1387، ص 101)

تعیین اولویت مسائل اجتماعی:

تعیین اولویت برای مسائل اجتماعی با توجه به چارچوب های نظری و رویکردهایی که نسبت به مسایل اجتماعی وجود دارد، صورت می گیرد که مهم ترین این رویکردها از این قرارند:

الف: تعیین اولویت براساس رویکرد ایدئولوژیک: ممکن است در یک جامعه دینی حکومت ها براساس رویکرد ایدئولوژیک یا دینی مسایل اجتماعی را تعریف کنند، و شاید در جامعه ذهنیتی نسبت به مصادیق این نوع مسئله سازی وجود نداشته باشد.

ب: تعیین اولویت براساس رویکرد کلاسیک: روش دیگر تعیین اولویت براساس رویکرد کلاسیک نسبت به مساله اجتماعی این است که ما از بین انبوهی از مشکلات اجتماعی مهم ترین شان را به عنوان مسأله اجتماعی تعیین کنیم. چون توان، وقت و انرژی کافی برای پرداختن به همه مسائل اجتماعی را نداریم.

ج: تعیین اولویت براساس رویکرد های نوین: در رویکردهای نوین اولویت به مسایلی داده می شود که افراد یک جامعه بیشترین انزجار را از آن دارند. در رویکردهای نوین مسایلی که ممکن است قانونگذار به عنوان مساله شناخته باشد، اولویت ندارد. بلکه اولویت به مسایلی داده شده، که افراد یک جامعه بیشترین تنفر را از آن دارند. معمولا افراد اندکی در جامعه وجود دارند که مرتکب این گونه مسائل می شوند که همین افراد به شدت وجدان جمعی افراد جامعه را تحریک می کند.

آسیب های اجتماعی

مفهوم آسیب اجتماعی بر گرفته از ادبیات پزشکی بوده و در یک نگاه اجمالی منظور از آسیب، حالتی در حیات یک پدیده است که روند عادی یا سالم آن دچار بیماری گردد. بنابراین آسیب اجتماعی شیوع یک بیماری در گروههای مختلف اجتماعی، سازمانها، روابط اجتماعی و به

طور کلی در ارکان مختلف اجتماع است که روند معمول وفاق و سلامت جامعه را بر هم زند
وقتی آسیبهای اجتماعی با بار کیفری و قانونی تعریف می شوند حکم جرم پیدا می کنند.

تعریف : هرگاه در یک نظام اجتماعی رفتاری به طور مشخص با هنجارهای اجتماعی
تعارض پیدا کند، که موجب کاهش یا از دست دادن کارایی و عملکرد مثبت فرد، خانواده یا
گروههای اجتماعی شود، این پدیده آسیب اجتماعی شناخته می شود.

اجزای تعریف:

هنجار : هنجار (norm) در لاتین معنای "گونیا" می دهد و از این رو از آن قانون، قاعده و
یا مثالی بر می آید که بدان رجوع می شود (بیرو، ص 248). یعنی هنجارها به عنوان یک ملاک و
ضابطه و ابزار سنجش و سرمشق نظم در موارد گوناگون به کار رفته و از آن استفاده می شود . در
امور اجتماعی، هنجارها یک سلسله قضایای انشایی، دستوری و قاعده ای هستند که انسان
اجتماعی را در شناخت کارها و اعمال شایسته و هماهنگ با جامعه یاری می دهد . (آراسته خو،
ص 553).

در اینجا است که مفهوم هماهنگی با جامعه و به عبارت دیگر جامعه پذیری، اجتماعی شدن
و عمل اجتماعی در تعریف هنجار به کار گرفته می شود و رابطه میان آن دو مشخص می گردد .
بدین ترتیب هنجارها عبارت از احکامی هستند که به عنوان ضوابط مشترک عمل اجتماعی به
خدمت گرفته می شوند . رفتار انسانی قاعده مندیهایی معینی از خود بروز می دهد که حاصل پای
بندی به انتظارات یا هنجارهای مشترک است . به این معنی، عمل آدمیان تابع قواعد است .
(آبرکرامبی، ص 259).

در دایرة المعارف علوم اجتماعی نیز آمده است : «هنجارها مدل‌های فکری یا خطوط
راهنمایی هستند که بوسیله آن، ما اعمال خود و دیگران را از لحاظ فکری، کنترل و ارزشیابی
می کنیم» (kuper, , p 560).

از این رو، باید گفت هنجارهای اجتماعی عبارت است از شیوه های رفتار، عمل یا اندیشه

که در جامعه ای پذیرفته شده و انطباق با آن در فرآیند اجتماعی شدن فرد تحقق

می پذیرد (ساروخانی، 1370). بنابراین، هنجارها و ارزشها در هر جامعه ملاک اندیشه و تفکر،

احساس و تعقل، عمل و رفتار افراد آن جامعه می باشد که همه افراد ملزم به رعایت آن می باشند و این رعایت و الزام به آن، از طرق مختلف بر افراد جامعه تحمیل می شود.

گروه اجتماعی : گروه اجتماعی به عده ای از افراد انسانی که برای نیل به هدفی معین،

اقدامات متقابل انجام می دهند، اطلاق می شود که بر اثر کنشهای متقابل، تحرک پیدا کرده و با

نفوذ در یکدیگر و وابستگی به یکدیگر، اتحاد و یگانگی می یابند . به این ترتیب با هماهنگی و

تجانس در رفتار اعضای گروه، رفتار مشترک گروهی و رفتار جمعی حاصل می شود . این رفتار

تحت تأثیر محیط زندگی و طرز فکر عمومی است و با راه و رسمهایی که ناخودآگاه مورد

پذیرش دیگران است، انطباق کامل دارد . بدین ترتیب می توان گفت زندگی افراد همیشه تحت

تأثیر یک محرک مشترک و جمعی است (معتمد نژاد، صص 1 - 160).

معمولاً در طرح مسائل و آسیب های اجتماعی سه هدف عمده دنبال می شو د: تیپولوژی و

توصیف مسائل و آسیب های اجتماعی، تحلیل و ریشه یابی مسائل و آسیب های اجتماعی، ارائه

راه حل های مناسب برای اصلاح، رفع و پیشگیری از آن ها.

مشخصه های لازم در بررسی آسیب های اجتماعی و برنامه ریزی برای مقابله با آنها:

- واقع گرا بودن در برخورد با آسیب های اجتماعی.

- واقع گرایی در ارزیابی مسأله ی اجتماعی : در سطح توصیف باید دانست با چه مسائلی

روبرو هستیم و شدت این مسائل چقدر است.

- واقع گرایی در تبیین مسأله : باید با واقعگرایی علمی بررسی شود که چه عواملی باعث

شکل گیری مسأله می شود.

باید به این نکته توجه داشت که آسیب های اجتماعی مختص نظام ویژه ای نیست که با

تغییر آن نظام، از بین برود . و یا انتظار داشته باشیم که با استقرار حکومت اسلامی همه

آسیب های اجتماعی به یکباره رخت بربندد . در رویکرد واقع گرایانه از تبیین سیاسی مسائل اجتماعی خودداری می شود ، اگرچه مسائل و آسیب های اجتماعی با مسائل سیاسی آمیخته است و حکومت ها بر اساس عملکردی که در کنترل و مهار آسیب های اجتماعی دارند، مورد ارزیابی قرار می گیرند ؛ اما باید توجه داشت که مسائل اجتماعی خاص یک حکومت یا یک جریان خاص نیست. ممکن است ، یکی از عوامل سیاسی باشد، ولی عوامل دیگری از قبیل عوامل اقتصادی، ساختاری، فرهنگی و ... نیز در این امر دخیل هستند . آسیبهای اجتماعی ریشه در مجموعه ای از امور، پدیده ها و مسایل اجتماعی بهم پیوسته دارند (فقر با مسایلی همچون بیکاری ، اختلاف طبقاتی و... در ارتباط است). یک آسیب اجتماعی می تواند زمینه بروز آسیب دیگری گردد . (فقر میتواند موجب بروز روسپیگری، تکدی گری و .. گردد). بنابراین هر گونه اقدام درخصوص یک آسیب اجتماعی می تواند آسیب دیگری را تحت تاثیر قرار دهد، بطوریکه برخورد با پدیده فرار از منزل منجر به تغییر در میزان قاچاق زنان و دختران می گردد . آسیبهای اجتماعی امر نسبی بوده از گروهی به گروه دیگر ، از زمانی به زمان دیگر متفاوت است و بر اساس ارزش های حاکم بر جامعه تعریف می گردد . لذا ممکن است ، در یک منطقه پدیده ای به عنوان آسیب تلقی شود ، ولی در منطقه ای دیگر همان پدیده ، آسیب شمرده نشود . (همچون پدیده خشونت علیه زنان که حدود و تعاریف آن در اقوام گوناگون کشور متفاوت است).

1. واقع گرایی در تعیین هدف : دیدگاههای آرمان گرایانه برای رسیدن به جامعه ای عاری از هر گونه آسیب اجتماعی در مقام تعیین هدف برای برنامه ریزی اجتماعی مناسب نیست . برای مثال یک هدف واقع گرایانه در زمینه اعتیاد می تواند این باشد که جلوی سیر تبدیل مصرف استنشاقی به مصرف تزریقی گرفته شود و یا در مورد روسپی گری این هدف که طی 5 سال هیچ فرد روسپی در جامعه وجود نداشته باشد، غیرواقع گرایانه است . در عوض این اهداف که طی 5 سال رابطه ی روسپیگری با فقر مزمن قطع شود و یا این که سن روسپی گری از حد مشخصی پائین تر نیاید، واقع گرایانه است.

2. واقعگرایی در تعریف مسأله‌ی اجتماعی و طرز تلقی نسبت به جرایم : برخی از مسائل

اجتماعی جرم نیستند و جرم تعریف کردن آن‌ها نه تنها گرهی از مشکل نمی‌گشاید، بلکه وضعیت را وخیم‌تر نیز می‌کند. یک مثال، در نظر گرفتن اعتیاد به عنوان بیماری و نه جرم است.

طبقه‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی :

در توصیف مسائل اجتماعی، شیوه‌های مختلفی از طبقه‌بندی مورد استفاده قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها از این قرارند:

1. طبقه‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی بر حسب عام و خاص بودن از لحاظ

محدودیت یا گستردگی موضوع یا مسئله و یا واحد و سطح تحلیل:

در طبقه‌بندی بر حسب موضوع، مسائل عام جامعه‌ای از قبیل عقب‌ماندگی و یا نظم

اجتماعی به پدیده‌هایی اطلاق می‌شوند که کثیرالابعادند و خصلتی بین‌رشته‌ای دارند . در مثال

فوق‌عقب‌ماندگی و یا نظم‌هریک دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است . ولی

مسائل خاص شامل پدیده‌هایی می‌شوند که معمولاً به حوزه یا بعد خاصی از حیات اجتماعی

محدود می‌شوند، مثل مسائل دینی، هنری و یا علمی . در طبقه‌بندی مسائل اجتماعی براساس

واحد تحلیل هم، مسائل خاص شامل پدیده‌های محدود به یک واحد اجتماعی کوچک می

شوند، مثل نزاع‌های جمعی در میان طوایف یا کایل در گوشه‌ای از یک کشور؛ مسائل عام هم

پدیده‌های مربوط به واحدهای اجتماعی بزرگ یا جوامع نظیر توسعه نابرابر و یا جنگ و اعمال

خشونت در روابط بین‌المللی را شامل می‌شوند.

2. طبقه‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی بر حسب حوزه‌های نرم افزاری یا سخت افزاری:

در این طبقه‌بندی معمولاً مسائل فکری، فرهنگی و اجتماعی را تحت عنوان مسائل نرم

افزاری و بقیه مسائل را تحت عنوان مسائل سخت افزاری قرار می‌دهند.

3. طبقه‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی بر حسب میزان اهمیت و ارتباط آن‌ها با نظام

ارزش‌ها و کمال مطلوب‌های مردم:

در این طبقه بن دی پدیده های تهدید کننده ارزش های ذاتی چون معرفت و تعهد و فضیلت و غیره را که معمولاً در هر جامعه ای دارای منع قانونی و قبح اجتماعی و اخلاقی اند در ردیف آسیب های اجتماعی قرار می دهند.

بررسی آسیب های اجتماعی از دیدگاه اسلام

با توجه به اینکه دیدگاه اسلام به زندگی فردی و اجتماعی دیدگاهی ارزش محور و کمال طلب است، بر این اساس بررسی مسائل و آسیبهای اجتماعی از این منظر جزو طبقه بندی سوم قرار می گیرد (طبقه بندی بر حسب میزان اهمیت و ارتباط آن ها با نظام ارزش ها و کمال مطلوب مردم).

به شهادت تاریخ، حکومت اسلامی تنها حکومت بر مسلمانان، یعنی کسانی که به اختیار و از روی آگاهی اسلام را پذیرفته اند نیست . بنابراین، مبنای این حکومت طبق آموزه های قرآن و سیره پیشوایان آن خصوصاً دوران بیش از چهار سال خلافت مولای متقیان امام علی (ع) (بر کرامت انسان استوار است).

قرآن در این خصوص می فرماید:

- لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر

ممن خلقنا تفضیلاً (اسراء/70)

- فتبارک الله احسن الخالقین (مومنون/14)

- هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً (بقره/29)

در این آیات خداوند به کرامت انسان فارغ از هر پیشوند و پسوند یا هر اسم و صفتی

اشاره دارد . حکومت اسلامی نیز حکومت بر انسان ها در قلمرو حاکمیت اسلام می باشد .

بنابراین، ملزم به رعایت کرامت آنها در حریم حکومت خویش است . بر همین مبنا، مولای متقیان،

امام علی (ع) در هر شرایطی حرمت ساکنان حریم حکومت اسلامی را پاس می داشت، مگر آنکه

فرد یا گروهی متعرض جان، مال و ناموس افراد جامعه شود . این حساسیت ایشان در پاس داشت

کرامت انسان تا بدانجا بود که وقتی سپاهیان معاویه در تعرض به حریم قبایل یهودی در ذمه اسلام خلخال از پای یک زن یهودی بیرون کشیدند، فرمود : «اگر مسلمانی از این درد بمیرد، مستحق ملامت نیست». بنابراین، به نظر می رسد آسیب اجتماعی از نظر اسلام شکستن حریم کرامت انسانی، چه فردی و چه اجتماعی است. و فرد مسلمان، جامعه اسلامی در این زمینه بسیار غیرتمند است.

اما مبنای کرامت انسانی از دیدگاه اسلام آزادگی انسان هاست. همان پیام بی حد و مرزی که مولای ما سیدالشهداء (ع) در واپسین دقایق حیاتش خطاب به سپاهیان عمر سعد که قصد تجاوز به حریم حرم اهل بیت داشتند، بیان فرمود : که پیامی است خطاب به همه انسان ها فارغ از خاستگاه جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی که فرمودند «اگر دین ندارید و از روز جزا نمی ترسید لااقل در دنیا آزاده باشید». این پیام عصاره همه خوبی ها و فطری ترین راه به سوی درک حقیقت است.

آزادگی و آزادمندی یعنی کوشش انسان در هر مقام و مرتبه فردی و اجتماعی برای رهایی از هر قیدی و پیوستن به حق و حقیقت. این کوشش از دیدگاه اسلام اصلی ترین روش مسلمانی است. چه بسا مسلمانانی که در شناسنامه مسلمان هستند و تظاهرات مسلمانی می کنند ولی به دلیل نداشتن چنین ویژگی ای با کفر از دنیا می روند. و چه بسا انسان هایی به ظاهر متدین به دینی غیر از دین اسلام هستند ولی به دلیل داشتن روحیه آزادگی مسلمان از دنیا می روند. بنابراین، اصلی ترین وظیفه یک حکومت اسلامی این است که در جامعه شرایطی فراهم کند که انسان ها بتوانند فارغ از هر دین و نژادی آزادگی خود را حفظ نمایند و بدون هرگونه جهت گیری، جزدگی، عادت، فشارهای اجتماعی و در یک نظام متعادل حق را جستجو کرده و به اندازه فهم خود از آن پیروی نمایند.

مصادیق کرامت انسانی در یک جامعه، که حکومت اسلامی ملزم به فراهم کردن آنها با ابزارهای در اختیار است، بدین قرارست:

1. فراهم کردن فضای متعادل اجتماعی برای این افراد تا بتوانند حق را جستجو کرده و در حد مقدورات خود از آن پیروی کنند.

2. فراهم کردن زمینه تأثیرگذاری اجتماعی برای کلیه افراد سالم جامعه.

3. زدودن محیط جامعه از عناصر مخل کرامت و آزادگی انسانی نظیر : اعتیاد، فحشا، تکدی گری، دروغ، تهمت، بی صداقتی، ناراستی، هنگ حرمت و...

4. فراهم آوردن زمینه های اجتماعی و فرهنگی برای بهره مندی افراد جامعه از شغل و درآمد مناسب و منطبق با قابلیت های فردی و پاک کردن چهره جامعه از عوارضی نظیر فقر، بیکاری و...

5. ایجاد امنیت در کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، گفتاری، نوشتاری و...

6. فراهم کردن زمینه آزاد رشد اجتماعی مبتنی بر قابلیت های متنوع انسانی.

7. تساوی حقوق و موقعیت های اجتماعی تا هرکس بتواند حسب توانمندی هایش از آنها بهره مند شود و زدودن چهره جامعه از عوارضی نظیر رانت، رشوه، پارتی بازی و...

8. فراهم آوردن شرایط تساوی برای همه افراد در مقابل قانون دارای ضمانت اجرایی.

9. وجود احترام اجتماعی به انسان ها به صرف انسان بودن.

10. فراهم آوردن زمینه های رقابت سالم در کلیه عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و برخورد مقتضی با افرادی که سلامت این فضاها را مختل می کنند.

بدیهی است که هر رخدادی که این امکان را از جامعه و حکومت اسلامی بگیرد که نتواند با رعایت موارد پیش گفته ، کرامت انسانی را پاس بدارد ، منجر به پدید آمدن آسیب اجتماعی

خواهد شد و حکومت اسلامی موظف است ، کوشش کند ، با رفع آسیب ها و حل مسائل، جامعه را به تعادل مطلوب رسانده و به سمت رشد، پویایی و شکوفایی سوق دهد.

پیشگیری از جرم در دیدگاه اسلامی

اصولاً دین مبین اسلام به پیشگیری بیش از اصلاح اهتمام دارد و به همین دلیل قبل از هر چیز به عوامل به وجودآورنده و زمینه های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله آنها با واقع بینی تمام چاره اندیشی نموده است . شاید بهترین و پربارترین بخش از تأکیدات اسلام روی همین بعد باشد. در این مقاله به دو محور از تدابیر پیشگیری کننده از جرم و گناه اکتفا می کنیم. اسلام با توجه به جهان بینی و توحیدی خود به هستی معنی می بخشد و در نتیجه به زندگی، هدف و نشاط داده و درنهایت به انسان آرامش و به جامعه آسایش می بخشد . اسلام آگاهی علم و تفکر را که مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت است بسیار می ستاید و از جهل و نادانی که مایه بنیادی بدبختی و گناه و جرم می باشد نهی می کند . اخلاق و فرهنگ عظیم دینی به واقع پشتوانه غنی و مطمئنی است که جامعه را از بسیاری امراض، مفسد و انحرافات فکری و عملی مصون می دارد؛ البته اگر علما، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و ... این سرمایه بی پایان را جدی گرفته و با استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی مردم را دائماً متذکر شوند و هدایت نمایند. رهوندکسن محقق هوشمند و جرم شناس که حتی عقایدش را بعد از تحقیق روشمند و علمی و با احتیاط و وسواس بیان می کند در این زمینه می گوید:

«سیستم های گوناگون کنترل غیرکیفری، نقشی متغیر اما مسلم در امر پیشگیری از تبهکاری

و تکرار جرم دارند . وی همچنین معتقد است سیاست ن وین جنایی که متمرکز در پیشگیری های ثانویه است به طور قطع اثر بسیار محدودکننده ای بر روی تبهکاران دارد . ترویج دستورات اخلاقی اسلام و به کارگیری توصیه های آن در عرصه های مختلف زندگی همان چیزی است که "برانتینگهام" و "فاست" از آن به عنوان پیشگیری اولیه یاد می کنند و جالب است که اشتاین متز از اهمال و سهل انگاری که در امر بازدارندگی عمومی و فردی شده است، سخن می راند و اظهار تأسف می کند . اهتمام به عبادات فردی و جمعی مانند نمازهای یومیه، روزه، حج، نمازجمعه، عزاداری در ماه های محرم و مراسم ویژه ماه رمضان، شرکت در مساجد و تکایا،

زیارت مقابر قدسی ائمه اطهار (ع) و بزرگان دین از جمله مراسم مذهبی، سنتی و تقریباً بی هزینه جامعه ماست که می توان در این راستا نهایت بهره معنوی را حاصل نمود . علاوه بر توصیه های مکرر فوق، نهاد مستقل دیگری به نام امر به معروف و نهی از منکر توسط دین اسلام تأسیس شده است تا عمل به فرامین اخلاقی را تضمین نموده و در عین حال از اصلاح جامعه نیز غفلت نشود . امر به معروف و نهی از منکر به معنای مسئولیت فرد در قبال مردم و جامعه است و مبارزه با همه عوامل انحرافی و بیمارکننده و ضدترقی و سلامت را شامل می شود . امر به معروف و نهی از منکر همانند نماز و روزه بر مسلمانان واجب است و البته تنها در دایره تنگ زندگی فرد یا روابط معاشرتی وی و با اعمال انفرادی محدود نمی شود.

پیشگی از انحرافات اجتماعی در دیدگاه اسلام

راهکارهای پیشگیری از انحراف اجتماعی زنان از منظر اسلام به قرار زیر است:

1. ایجاد بینش و شناخت نسبت به عظمت منزلت زن، به عنوان مادر:

مادر بودن در اسلام یک ارزش تلقی می شود. آن گونه که پیامبر اکرم (ص) در این مورد می فرمایند؛ بهشت زیر پای مادران است «در سخنی دیگر ایشان می فرمایند: «هنگامی که زن باردار می شود، همانند روزه دار شب زنده داری است که با جان و مال خود، در راه خدا جهاد می کند». همچنین در روایت دیگری آمده است، هر بار مکیدن شیر، توسط کودک، موجب ارتقای مقام و منزلت مادر در آخرت می گردد و همزمان با کامل شدن دوران شیردهی، تمام گناهان مادر آمرزیده می شود. آن گاه که قرآن در صدد احترام پدر و مادر بر می آید، به دو بیان از آنها یاد می کند. در یک بیان تعبیر به والدین کرده و هر دو را مورد احترام و تکریم قرار می دهد. ولی مجدد در بیانی اختصاصی، به تکریمی خاص از مادر می پردازد. جالب آنکه این سخن حضرت حق، تذکر یک وظیفه زنانه نیست، آن گونه که برای مرد وظیفه اختصاصی را بیان می کند، بلکه بیانی حق شناسانه و تشکرآمیز از زن، به عنوان مادر است. این تشکر اختصاصی حضرت حق از زن در برابر مرد، نشان از تکریم مستقیم مادر بودن و بزرگی منزلت وی در بارگاه قدس الهی دارد.

2. ارزش گذاری بی حد و حساب به فعالیت های زن در خانه:

در معارف اسلامی نه تنها مادر بودن ارزشمند است، بلکه انجام وظائف مادری نیز نزد پروردگار از منزلت ی والا برخوردار است و برای زنی که در انجام وظائف همسری و مادری کوشش می کند، به میزان روزه دار، شب زنده دار، پاداش در نظر می گیرد. همچنین هر گاه زن در منزل همسر خود، به سامان دادن امور بپردازد و به این منظور وسائل منزل را جابجا نماید، خداوند (به نظر رحمت) به او می نگرد و هر که خداوند به او نظر افکند، هرگز عذابش نمی کند.

3. توصیه به مردان برای انجام رفتارهای کریمانه جهت تکریم از مقام زن:

اسلام اکرام و احترام نمودن به زن در محیط خانه و در محفل خانواده را بسیار سفارش نموده است. آیا تکریم عملی از این بهتر می توان تصور کرد که تلاش در راه تامین رفاه و آسایش همسر و فرزندان جهاد در راه خدا شمرده شود . آنگاه که خدمت برای وی این قدر بها دارد، ارزش خود مخدوم فراتر از این مرز و حد است.

در بیانی حکیمانه از رسول خدا (ص) که در واقع قانونی کلی برای همه مردان می باشد، آمده است: «بهترین شما (مردان) کسی است که برای همسر و فرزندانش بهترین باشد، همان گونه که من برای خانواده‌ام بهترین هستم.»

بدون تردید تکریمی عملیاتی تر از این برای زنان نمی توان یافت که مردان اگر بخواهند انسان خوبی باشند، پس باید بکوشند، همسر خوبی برای زنان خویش باشند.

- قرآن کریم.
- آبرکرامبی، نیکلاس، استفان هیل و برایان. اس. ترنر، فرهنگ جامعه شناسی، تهران، 1367.
- آراسته خو، محمد، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی، تهران، گستره، 1370.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، کیهان، 1370.
- رضایی، محسن، ایران آینده در افق چشم انداز، تهران، وزارت ارشاد، 1386.
- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، اطلاعات، 1367.
- مرتضوی، شهرناز، آشنایی با روانشناسی بین فرهنگی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، 1370.
- معتمد نژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، 1371.
- مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات)، انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، 1387.
- kuper, adam and jessica the social science encyclopedia, london, routledge, 1985.
